

ایران: استفاده از مجازات اعدام در جرایم مربوط به موادمخدر بعنوان ابزاری برای کنترل سیاسی تیمور الیاسی

قبل از اینکه به تحلیل موضوع استفاده از مواد مخدر به عنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل سیاسی در ایران بپردازیم، ضروری است که به طور مختصر شرایط اقلیت های قومی و مذهبی را برجسته کنیم که بر طبق گزارش سازمان ملل متحد و سازمان های غیردولتی معتبر گوناگون، با اکثر اعدام های در ملاءعام برای موضوع مواد مخدر یا تحت عنوان آن مواجه هستند.

ایران کشوری چند قومیتی و چند مذهبی است که اساساً از فارس ها، کردها، بلوچ ها، آذربایجانی ها، ترکمن ها و عرب های اهوازی، تشکیل شده است. با این حال فقط حزب شیعه ایرانی قدرت دولتی را در دست دارند و فصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از این به بعد ایران) مذهب شیعه اثنی عشری اسلام را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام می کند.

حکومت فعلی سیاست های پیشینیان خود را ادامه می دهد و طرفدار سیستمی از کشورداری است که بر پایه ایدئولوژی یک کشور، یک ملت، یک زبان و یک مذهب استوار است.

این اصول، سرکوب و تبعیض ساختاری علیه همه ملیت های قومی و اقلیت های مذهبی در کشور را دائمی می سازد. مشارکت در حکومت توسط اعضای ملیت های قومی یا اقلیت های مذهبی مثل کردها، بلوچهای سنی یا بهائیان شدیداً محدود است به طوری که از تصدی این افراد به سمت ریاست جمهوری یا اشتغال به هرگونه منصب مهم دولتی جلوگیری می شود.

با وجود وعده های رئیس جمهور جدید در جریان مبارزات انتخاباتی اش مبنی بر حقوق بیشتر برای اقلیت های قومی و مذهبی، تعداد اعدام های قومی بلوچها، کردها و عرب های اهوازی به میزان نگران کننده ای در حال افزایش است. کارشناس مستقل سازمان ملل متحد در خصوص مسایل اقلیت ها، ریتا ایزاک، اخیراً اعلام کرد که "تعداد موارد افراد وابسته به اقلیت ها که به خاطر فعالیتهای مربوط به حقوق اقلیتشان محکوم شده اند، موجب نگرانی جدی است".

سابقه مسایل مواد مخدر ایران

جمهوری اسلامی ایران در سه دهه اخیر شاهد افزایش شدیدی در تعداد معتادین به مواد مخدر بوده است. ایران با جمعیتی بالغ بر 70 میلیون نفر، در حدود 5 میلیون نفر معتاد مزمن و چندین میلیون بیشتر از این تعداد مصرف کننده های تفتنی دارد. بر طبق گفته اسماعیل احمدی مقدم، دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، هر سال بیش از 130 هزار نفر به اعتیاد روی می آورند. به گزارش دیده بان حقوق بشر، بیشتر از 75 درصد اعدام ها در ایران مربوط به جرائم مواد مخدر می باشد، اگرچه حکومت ایران آماری در این خصوص ارائه نمی دهد. آخرین بررسی جامع جدی در خصوص سوءاستفاده از دارو در ایران با در نظر گرفتن سن، قومیت، مذهب و ابعاد جغرافیائی، به سال 1976 بر می گردد و توسط جامعه ملی ایران برای توانبخشی معلولان (NISRD) در زمان حکومت سلطنتی پیشین انجام شده است. بررسی فوق نشان داد که تقریباً "همه معتادین به مواد مخدر از مسلمانان شیعه و اقلیت مشخصاً بزرگتری از سوءمصرف کنندگان عادی از قومیت ترک بودند." در تحت حکومت سلطنتی تعداد معتادان به تریاک بین 200 هزار تا 500 هزار نفر تخمین زده می شد و متوسط سنی معتادین به مواد مخدر بین 55 تا 64 سال و ماده اصلی تریاک بود. امروز به هر حال ایران دارای بدترین مشکل هروئین در دنیا می باشد و 80 درصد مصرف کنندگان مواد امروز کمتر از 30 سال سن دارند.

انقلاب اسلامی سال 1979 مشخص کننده یک نظم اجتماعی اسلامی جدید و در برخورد با مسئله مواد مخدر یک گسیختگی اساسی بود. آیت الله خمینی، پدر انقلاب 1979 ایران، انحطاط غرب را مقصر اصلی استفاده ایران از مواد مخدر دانست. در نتیجه دستور داد تا تمام برنامه های توانبخشی و درمانی مواد مخدر را متوقف کنند و سیاست جدیدی را در این خصوص اتخاذ کرد: از این پس مصرف کنندگان مواد مخدر به عنوان افراد "منحرف دیده" خواهند شد و در چهارچوب افرادی قرار خواهند گرفت که برای نظم اجتماعی اسلامی

خطرناک هستند؛ به عنوان دلیلی بر "توطئه خارجی" و تهدیدی برای امنیت ملی. در نظر گرفتن مسئله مواد مخدر به عنوان توطئه خارجی به همراه امنیتی دانستن و مجرم شمردن مصرف کنندگان مواد مخدر، منجر به حبس و اعدام هزاران مصرف کننده مواد مخدر شد. از زمان انقلاب اسلامی سال 1979، ده هزار مصرف کننده و فروشنده مواد مخدر اعدام شده اند؛ بسیاری از آنها در ملاء عام در نمایش فوکالت (Foucault) گونه ای از اقتدار کشور به دار آویخته شدند.

مسئله مواد مخدر به عنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل سیاسی

حاکمیت در ایران برای دیکته کردن قوانین شان و سرکوب ملیت های قومی و اعضای گروه های مخالف، از مسئله مواد مخدر استفاده می کند. هر زمان که با بحرانی داخلی یا خارجی مواجه شود، قوانین جدید و خشن تری بر علیه مواد مخدر و معتادان وضع می شوند و اعدام در ملاء عام اعضای ملیت های قومی به طرز چشمگیری افزایش می یابد. دوره هایی از اعدام ها و قوانین مواد مخدر که در ادامه آمده است، این سیاست را به خوبی روشن می کند.

دوره انقلاب 1979 و شروع جنگ ایران و عراق

در ماه می سال 1980 آیت الله صادق خلخالی، بدنام انقلابی ملقب به "قاضی اعدام" در تهران، سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر شد و متصدی "تطهیر" مصرف کنندگان مواد مخدر شد که منجر به صدها اعدام گردید. این تلاش ها هم زمان با فاجعه جنگ ایران و عراق (1980) و "انقلاب فرهنگی" 1980-83 به وقوع پیوست.

پایان جنگ ایران و عراق در 1988

بعد از آتش بس بین ایران و عراق در سال 1988 افزایش عظیمی در اعدام های مواد مخدر به وجود آمد. در اکتبر 1988 زمانی که مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی (شورای مصلحت) حکم اعدام را برای مالکیت 30 گرم هروئین و 5 گرم تریاک صادر کرد، مجازات مصرف کننده و فروشنده مواد مخدر سخت تر شد. در آن زمان ستاد مبارزه با مواد مخدر، که تمام سیاست های مربوط به مواد مخدر را نظارت می کند، تأسیس شد. در بازه بین ژانویه و جولای سال 1989 نهمصد نفر از مجرمان مواد مخدر در تحت قانون جدید اعدام شدند. به علاوه اعدام مصرف کنندگان مواد مخدر در موج اعدام زندانیان سیاسی سال 1988، به دقت دنبال شد. این سخت گیری ها و سرکوب مصرف کنندگان مواد مخدر، بخصوص اعضای اقلیت های قومی، با استناد به فساد اخلاقی و امنیت ملی منطقی جلوه داده شد و شکل قانونی به خود گرفت.

دوره انتخاب مجدد احمدی نژاد

همچنین دوره قبل و بعد از انتخاب مجدد اعتراض آمیز احمدی نژاد (2001-2008) شاهد افزایشی در اعدام در ملاء عام بود. این دوره نیز با سخت تر کردن قوانین مصرف مواد مخدر همراه بود. به تعبیر کریستنسن، "بحران مواد مخدر ایران مجموعه ای از سیاست ها، سخنرانی ها و حامیان دولتی نامرتب را در کنار یکدیگر قرار داده است که چیزی را رهبری می کنند که فوکالت آن را یک کنترل استراتژیک جمعیت خواهد نامید." این موضوع با توجه به اقلیت های تحت تأثیر قرار گرفته، اثرات منفی قابل توجهی دارد و البته داشته است. بر طبق گزارش دیده بان حقوق بشر، در سال 2011 هفتاد درصد از اعدام ها در ایران مربوط به مواد مخدر بوده اند.

با این وجود رهبران ایرانی از مسئله مواد مخدر فقط برای سرکوب فعالین سیاسی و اقلیت ها در داخل استفاده نکرده اند، آنها همچنین از آن به صورت بین المللی برای همکاری جستن از کشورهای غربی و سازمان ملل متحد استفاده کرده اند چرا که از منافع ذاتی آن آگاه هستند. به عنوان مثال در میان گفتمان مواد مخدر بود که رئیس جمهور خاتمی "گفتگوی بین تمدن ها" را در سال 2008 در جریان گشایش دفتری

از دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در تهران مطرح کرد. صرف نظر از این واقعیت که رهبران ایرانی در گفتمان‌های عمومی‌شان کشورهای غربی، و از همه غیرمعتادانه‌تر، صهیونیست‌های یهودی را برای مشارکت فرضی‌شان در گسترش مواد مخدر در ایران مقصر می‌دانند، به علاوه امنیتی کردن مسئله مواد مخدر توسط رژیم به عنوان آغازی برای گفتگو با غرب استفاده شده است. به عنوان مثال در تاریخ 25 جون 2012 در جریان یک کنفرانس بین‌المللی و ضد مواد مخدر سازمان ملل در تهران معاون رئیس‌جمهور محمدرضا رحیمی، اظهار داشت که تلمود (یک نوشته مقدس یهودیت) مسئول گسترش مواد مخدر غیرقانونی در سراسر دنیا است. یک بار دیگر اولیای امور ایران از ضد سامی‌گرایی برای دفاع از خودشان و معطوف کردن توجه به فاکتورهای خارجی استفاده کردند تا دیگران را مسئول مشکلاتی که گریبان‌گیر کشور و مردم آن است، نشان دهند.

کمک سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی به سیاست مواد مخدر ایران

جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی هم پیمان‌کنوانسیون مقابله با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان سازمان ملل است و از سازمان ملل و از ابزارها و سازوکارهای بین‌المللی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر سود می‌برد. در حال حاضر ایران از منافع حاصل از برنامه‌ای به سرپرستی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) و ریاست اتحادیه اروپا سود می‌برد. با وجود مجرم‌انگاشتن معتادین مواد مخدر و حمایت جامعه بین‌المللی از چندین برنامه برای مبارزه بر علیه مواد مخدر، آمارهایی که در بالا به آنها اشاره شد نشان می‌دهد که تعداد قربانیان مواد مخدر در سه دهه اخیر از حکومت جمهوری اسلامی ایران به طرز قابل توجهی افزایش یافته است.

با توجه به کمک بین‌الملل و سازمان ملل به ایران، بنا به گزارش OECD، در بین سالهای 2007 تا 2011 دولت ایران 556.3 میلیون دلار از کمک‌های اقتصادی بین‌المللی را دریافت کرده است. همچنین ذکر این نکته حائز اهمیت است که بر طبق قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران دریافت هرگونه کمک مالی از خارجی‌ها اکیداً ممنوع شده است؛ تمام کمک‌های خارجی باید از طریق دولت تحویل گرفته شود.

کمک جامعه بین‌المللی به سیاست مبارزه با مواد مخدر ایران از طریق کانالهای دولتی گنج‌کننده است و به علت سیستم غیرشفاف و پیچیده حکمرانی در کشور، به قربانیان نمی‌رسد. به عنوان مثال در ایران مرجعی که قوانین و راهبردهای مواد مخدر را تنظیم می‌کند، وزیر بهداشت یا سازمان رفاه اجتماعی نیست بلکه مرکز مبارزه با مواد مخدر است. هدف اصلی این نهاد ناظر مواد مخدردرمان قربانیان نیست بلکه اتخاذ سیاست‌ها و تنظیم بودجه‌ای برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر است.

بعضی از NGOهای حقوق بشری این نکته را نیز مد نظر قرار می‌دهند که به علت سیاست سرکوب‌کننده ایران در اعدام و زندانی کردن معتادین مواد مخدر و هدف قرار دادن ملیت‌های قومی، کمک سازمان ملل و جامعه بین‌المللی به ایران اصل بشردوستانه کاهش درد و رنج انسان را نقض می‌کند. به عنوان مثال تعداد کشتار خارج از صلاحیت قضائی پیک‌های مرزی کرد، دو برابر شده است. در چهار ماه اخیر 38 حادثه روی داده که باعث مرگ 18 پیک مرزی شده است.

بر طبق گزارش دیده بان حقوق بشر (HRW) و سازمان کاهش آسیب بین‌الملل (HRI) سازمان ملل و جامعه جهانی: "به طور مؤثر از تعقیب‌ها در یک سیستم قانونی و قضائی حمایت می‌کنند که خودشان آنرا غیرعادلانه می‌بینند. قوانین سخت و بی‌رحمانه، محاکمه‌های محرمانه، بدون دادگاه تجدید نظر و حکم اعدام برای داشتن مقدار کمی از مواد مخدر، باید برای هر انسان بخشنده‌ای که می‌خواهد کار درست را انجام دهد هشدار دهنده باشد." به علاوه سیستم قضائی و قانونی ایران به طور سازمان یافته حقوق انسانی متهمان مواد مخدر، به ویژه حق دادرسی عادلانه را نقض می‌کند که نتیجتاً به تعداد بی‌شمار احکام اعدام که در تناقض با قانون بین‌المللی است منتج می‌شود."

مسئله مواد مخدر مخصوصاً در کردستان ایران شدید است. به عنوان مثال در 23 ژانویه 2013 رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر در کرمانشاه، یک استان کردنشین با یک میلیون جمعیت ساکن، اعلام کرد که تعداد معتادین مواد مخدر در کرمانشاه 50 هزار نفر می‌باشد. اگرچه NGOها و رسانه‌های کرد این عدد را 200 هزار نفر تخمین می‌زنند. هشداردهنده است که اولیای امور خبر می‌دهند که 85 درصد جمعیت زندان در استان کردستان مربوط به مواد مخدر است. بر طبق نظر کریستینسن استفاده مواد مخدر "چهارمین (بالاترین) علت مرگ در کشور است."

کمبود آمارهای دقیق و رسمی درباره تعداد معتادین مواد مخدر و اعدام های مربوط به مواد مخدر در ایران سوالهایی را در بین ملیت های قومی ایرانی و اقلیت های مذهبی، مخصوصاً کردها، به وجود آورده است. مردم کرد که سه دهه پیش معتاد نبودند اما الآن از حوادث زیاد مربوط به اعتیاد رنج می برند، نقش حکومت ایران را در این پدیده مورد سوال قرار می دهند. کردهای ایران اکثراً مسلمان سنی هستند و تحقیقات دولتی که در بالا به آن اشاره شد نشان می دهد که در دوران حکومت سلطنتی فقط مسلمانان شیعه و قوم ترک معتاد بودند. بنابراین گسترش مواد مخدر در کردستان واضحاً با عملکرد حکومت اسلامی مرتبط است. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که مردم کرد در کردستان عراق، کردستان ترکیه یا کردستان سوریه نیز اکثراً مسلمان سنی هستند اما از پدیده اعتیاد به مواد مخدر رنج نمی برند.

برای نتیجه گیری، سیاست و رویکرد مواد مخدر ایران که اجازه اعدام مجرمین مواد مخدر را می دهد، نقض انکارناپذیری از قوانین بین المللی را شکل می دهد، مخصوصاً فصل ششم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) درباره حق زندگی که ایران نیز هم پیمان این میثاق است. این اعدام ها همچنین با اصول اساسی اخلاقی انسانی نیز در تضاد است: "همه انسان ها آزاد به دنیا آمده اند و در حقوق و مقام با یکدیگر برابرند" همانند رویکرد های بر مبنای حقوق بشر (یا رویکرد های حافظ حقوق) جستجوی یک راه حل دراز مدت و انسانی برای قربانیان مواد مخدر که دولت ها مسئول آنها هستند. این موضوع زمانی پیچیده تر می شود که ایران یک هم پیمان کنوانسیون 1988 مواد مخدر سازمان ملل متحد است و از سازمان ملل و ابزارها و سازوکارهای بین المللی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر منتفع می شود.

در پرتو بررسی های فوق و بنا بر سیاست های سرکوب کننده ایران، این نتیجه گیری منطقی است که موقعیت حقوق بشری بسیار جدی وجود دارد و کمک سازمان ملل و جامعه جهانی به ایران، از سیاستی حمایت می کند که اصل بشردوستانه کاهش درد و رنج را نقض می کند. جامعه بین المللی باید این موقعیت را تشخیص داده، واکنش نشان داده و آن را محکوم کند، موقعیتی که یکی از بدترین سوءاستفاده ها از قانون حقوق بشر را، مخصوصاً به علت استفاده از مجازات اعدام، تشکیل می دهد.

ایران برای تطابق با تعهدات بین المللی اش نیاز دارد که در رویکرد افراطی مجرم انگاری و جدا کردن افراد معتاد تجدید نظر کند. به علاوه حکومت باید قوانین سختگیرانه اش در خصوص مشارکت در سازمان های جامعه مدنی ملی را در بند کمک بشردوستانه، اصلاح کند. جامعه بین المللی و بشردوستان باید بر روی دولت فشار وارد کند تا دولت به سازمان های بین المللی اجازه دهد وارد کشور شوند و از سازمان های محلی که به قربانیان کمک می کنند حمایت کنند. آنها همچنین باید در روش هایشان برای تدارک کمک های بشردوستانه به معتادین مواد مخدر و خانواده ها و جوامع آنها در قالب استراتژی های ابتکاری، تجدید نظر کنند.

در انتها، افراد پشتیبان و گروه های پشتیبانی و رسانه باید تلاش هایشان را تقویت کنند تا توجه جامعه بین المللی را به موارد نقض حقوق بشر اقلیت های دینی و ملیت های قومی مرتبط با مواد مخدر جلب کنند. رویه هایی مثل استفاده نامتناسب و خودسرانه از مجازات اعدام برای حل مشکل اعتیاد در بین مردم کرد باید موضوعی با نگرانی و عدم پذیرش بین المللی باشد. تاکنون شکست خوردن سازوکارهای سنتی برای اعمال فشار مؤثر بر روی دولت ایران برای احترام به تعهدات حقوق بشری اش، هنوز به صورت چالش بزرگی برای سیستم بین المللی و مخصوصاً برای قربانیان و جامعه مدنی که برای عدالت تلاش می کند، باقی مانده است.